



## بررسی رابطه بین هوش اجتماعی و یادگیری خودتنظیمی در دانش آموزان

ثریا فتاح نیا<sup>۱\*</sup>، سروه ظاهری<sup>۲</sup>، اشکوت امینی<sup>۳</sup>

- ۱- کارشناسی علوم تربیتی، آموزگار ابتدایی، آموزش و پرورش شهرستان مریوان
- ۲- کارشناسی آموزش ابتدایی، آموزگار ابتدایی، آموزش و پرورش شهرستان مریوان
- ۳- کارشناسی آموزش ابتدایی، آموزگار ابتدایی، آموزش و پرورش شهرستان مریوان

### چکیده

یکی از نیازهای اساسی بشر، روابط اجتماعی است و تمرین در این روابط، موفقیت انسان را در آنها تعیین می کند. بسیاری از پژوهشگران بر لزوم تعامل بین افراد از طریق داشتن مهارت های اجتماعی که بخشی از هوش اجتماعی است، تاکید دارند. این مجموعه از مهارت ها به افراد کمک می کند تا مشکلات اجتماعی خود را حل کنند و شامل توانایی درک احساسات، افکار و رفتارهای دیگران در موقعیت های مختلف و شرایط اجتماعی است. با توجه به ماهیت این پژوهش که به دنبال بررسی هوش اجتماعی و یادگیری خودتنظیمی در دانش آموزان می باشد، از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی از نوع همبستگی می باشد. جامعه مورد مطالعه پژوهش را دانش آموزان شهر مریوان تشکیل داد. که ۸۰ نفر به شیوه نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. در این پژوهش، برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه هوش اجتماعی سیلورا و همکاران (۲۰۰۱)، و پرسشنامه راهبردهای یادگیری خودتنظیمی پینتریچ و دی گروت (۱۹۹۰)، استفاده شد. و پایایی آن از طریق از طریق آلفای کرونباخ محاسبه شد به ترتیب ۰/۸۰ و ۰/۸۴ بود و روایی آن از طریق نظرخواهی از اساتید و متخصصان تأیید گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون های آماری؛ از شاخص های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (کولموگروف اسمیرونوف، ضریب همبستگی پیرسون) استفاده شد. نتایج نشان داد، میزان ضریب همبستگی پیرسون هوش اجتماعی و یادگیری خودتنظیمی در دانش آموزان ( $r=0/672$ ) مقدار قوی و مثبت و دارای جهت مستقیم می باشد، یعنی با افزایش میزان هوش اجتماعی، یادگیری خودتنظیمی در دانش آموزان افزایش می یابد و بلعکس.

واژگان کلیدی: هوش اجتماعی، خود تنظیمی، دانش آموزان، یادگیری.

### ۱- مقدمه

شاید بتوان گفت بزرگترین توانایی بشر در برابر مشکلات، هوش و حضور آن در انسان است. هوش عبارتست از حالت تعادلی که کلیه استعداد های سازشی پی در پی از نوع حسی و حرکتی و نیروهای شناختی و اکتسابی و همچنین کلیه تبادلات جزئی و انطباقی که بین جسم و محیط صورت می گیرد، بدان گرایش دارد. کالپارد هوش را که به مثابه فونکسیون و عمل ذهنی به منظور سازش با موقعیت جدید است و در مقابل عادت و غریزه یعنی سازش با موقعیت هایی که مداوم تکرار می شوند قرار می دهد. این که فرد در برابر موقعیت های تازه و غیر مترقبه و پیش بینی نشده چه واکنشی از خود نشان می دهد نتیجه هوش اوست (باقری، ۱۳۸۸) وقتی روانشناسان به فکر نوشتن درباره ی هوش افتادند توجه خود را بیشتر بر جنبه های شناختی معطوف کردند (حل مساله و حافظه) با این حال عده ای هم بودند که باور داشتند که جنبه های غیرشناختی هم